

چکیده

این آزمایش به منظور بررسی امکان استفاده از علف‌کش‌ها در کنترل علف‌های هرز کنجد در سال زراعی ۱۳۹۲-۹۳ در قالب طرح آماری بلوک‌های کامل تصادفی با ۱۸ تیمار و در ۳ تکرار در مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، اجرا شد. تیمارهای آزمایش شامل وجین تمام فصل علف‌های هرز، رقابت تمام فصل علف‌های هرز با کنجد، دو بار وجین علف‌های هرز به ترتیب ۲۵ و ۴۵ روز پس از کاشت کنجد و کاربرد علف‌کش‌های تریفلورالین، متری‌بیوزین، اُکسی‌فلورفن، پندیمتالین، ای‌پی‌تی‌سی، اکسادپازون، هالوکسی‌فوپ-آر-متیل و دُز کاهش‌یافته آنها (۵۰ درصد دُز توصیه شده) همراه با یک‌بار وجین علف‌های هرز، ۲۵ روز پس از کاشت کنجد بودند. نتایج نشان داد که تیمارهای بکار رفته اثر معنی‌داری ($P \leq 0/01$) بر عملکرد کنجد و کنترل علف‌های هرز داشتند. بر اساس نتایج آزمایش، بیشترین عملکرد کنجد در تیمار وجین تمام فصل علف‌های هرز به مقدار ۳۵۴۸ کیلوگرم در هکتار و بدون اختلاف معنی‌دار با تیمارهای کاربرد علف‌کش پندیمتالین به صورت پیش‌رویشی به مقدار ۱/۵ لیتر در هکتار همراه با یک بار وجین علف‌های هرز، ۲۵ روز پس از سبز شدن کنجد ($3297/2$ کیلوگرم در هکتار) و کاربرد علف‌کش اُکسی‌فلورفن به صورت پیش‌رویشی و به مقدار ۷۵۰ میلی‌لیتر در هکتار همراه با یک بار وجین علف‌های هرز، ۲۵ روز پس از سبز شدن کنجد ($3233/4$ کیلوگرم در هکتار) مشاهده شد. با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان توصیه کرد از علف‌کش پندیمتالین به مقدار ۱/۵ لیتر در هکتار یا از دُز کاهش‌یافته آن همراه با یک‌بار وجین علف‌های هرز، ۲۵ روز پس از کاشت کنجد و همچنین از علف‌کش اُکسی‌فلورفن به مقدار ۷۵۰ میلی‌لیتر در هکتار همراه با یک‌بار وجین علف‌های هرز، ۲۵ روز پس از کاشت کنجد به صورت انتخابی در کنترل علف‌های هرز کنجد استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: ای‌پی‌تی‌سی، اُکسی‌فلورفن، پندیمتالین، تریفلورالین و وجین علف‌های هرز

تشکر و قدردانی

سپاس و ثنا پروردگاری که در ظلمت جهالت‌ها و ناسره گمراهی‌ها، معرفت و دانش را به انسان ارزانی داشت، تا بفهمد و ادراک کند و گوهر عقل را همچون خورشیدی تابان در مسیر زندگی‌اش نهاد تا بیندیشد و بهترین راه را برگزیند. اکنون که قریب به سه سال از تحصیل علم و دانشم در دانشگاه فردوسی مشهد می‌گذرد بر خود لازم می‌دانم که از زحمات ارزشمند تمام بزرگوارانی که مرا در مسیر انجام این تحقیق یاری کرده‌اند، سپاسگزاری نمایم.

دعای خیر و سپاس بی‌شائبه و صادقانه‌ام را نثار استادان راهنمای پایان‌نامه‌ام، آقای دکتر ابراهیم ایزدی دربندی، آقای دکتر مهدی راستگو و استاد مشاورم دکتر احمد نظامی به خاطر کمک‌های بی‌دریغشان در طول اجرا و نگارش پایان‌نامه می‌نمایم. در پرتو تلاش و راهنمایی‌های دلسوزانه و استادانه این بزرگواران بود که تمام دلسردی‌ها رنگ می‌باخت و در سایه وجود خستگی ناپذیرشان، توأمان علم و اخلاق می‌آموختم.

سپاس ویژه‌ام به رئیس، مدیر، کارمندان و کارکنان محترم مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد بخصوص جناب آقای دکتر اسدی، جناب آقای صدیقی، جناب آقای ذبیعی و ... کمال تشکر و قدردانی را دارم؛ باشد که در آینده بتوانم قطره‌ای از محبت بی‌کران این عزیزان را جبران نمایم.

از خانواده عزیزم که از کودکی، لذت کشف و جستجو کردن و شور دانستن را در من بیدار کردند، استقامت را به من آموختند و در تمام سال‌های حیاتم با فراهم کردن آرامش فکری و آسایش روحی، بسیاری دشواری‌ها را بر من آسان نمودند، با تمام وجود قدردانی می‌کنم.

پنجمین این پایان‌نامه را به دختر رؤیایی و مورد علاقه‌ام خانم آیکین ولیپور (دانشجوی رشته

کیا، پزشکی ۸۷ دانشگاه کشاورزی راین) تقدیم می‌کنم.